مناقب اهل بیت علیهم السلام
از دیدگاه اهل سنت

سید محمد طاهر هاشمی

بسم الله الرحمن الرحیم

مناقب اهل بیت علیهم‌السلام از دیدگاه اهل سنت بخش مربوط به امام جواد علیه السلام

نویسنده:

محمدطاهر هاشمی‌شافعی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مناقب اهل بیت علیهم‌السلام از دیدگاه اهل سنت بخش مربوط به امام جواد علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : هاشمی، سیدمحمدطاهر، ۱۲۹۲ - ۱۳۷۰.

عنوان و نام پدیدآور : مناقب اهل بیت علیهم‌السلام از دیدگاه اهل سنت/ تالیف محمدطاهر هاشمی‌شافعی؛ به‌اهتمام و با مقدمه سیدناصر حسینی‌میبدی.

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸.

مشخصات ظاهری[: چهل و پنج]، ۴۶۲ ص.: عکس.

شابک : ۱۵۰۰۰ریال: ۰-۲۱۸-۴۴۴-۹۶۴ ؛ ۷۱۰۰۰ریال: چاپ سوم۹-۴۸۶-۴۴۴-۹۶۴-۹۷۸ :

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی:M.T.Hashemi Shafee. The hogiography of Holy prophet's family .frome the view -point of the sunni sect

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۱.

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۹.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۴۵۷] - ۴۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : چهارده معصوم -- مدایح و مناقب

موضوع : چهارده معصوم -- احادیث اهل سنت

موضوع : خاندان نبوت -- احادیث اهل سنت

شناسه افزوده : حسینی میبدی، سیدناصر

شناسه افزوده : حسینی مرعشی میبدی،سید ناصر، ۱۳۳۷، - گردآورنده، مقدمه‌نویس

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش‌های اسلامی

رده بندی کنگره : BP۳۶/۴م۲۴ ۸ ۱۳۷۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی : م۷۸-۲۱۸۶۴

مناقب و فضایل حضرت امام محمد الجواد التقی

نقل از صواعق شیخ ابن حجر رحمه الله: آن حضرت حیاتش چندان دوام نیافت، و از اتفاقات اینکه یکسال بعد از وفات حضرت والد ما جدش علیه‌السلام، در یکی از کوچه‌های بغداد آن حضرت با کودکان ایستاده بود و کودکان بازی می کردند، ناگهان مأمون بر آنها بگذشت، کودکان همه پا به فرار گذاشتند و امام محمدجواد سلام الله علیه بایستاد، و در آن هنگام نه سال از عمر شریفش می گذشت و حق سبحانه و تعالی محبتش را در دل مأمون انداخت. آن حضرت را گفت: ای پسر ترا چه مانع شد که همچو رفقایت فرار نکردی؟ فوراً فرمود: یا امیرالمؤمنین! راه تنگ نبود که من آن را برای تو وسعت دهم، و جرمی نداشتم که از تو بترسم، و حسن ظن به تو هست که تو بی گناه را زیان نمیرسانی. سخن آن حضرت وحسن صورتش مامون را در تعجب انداخت، پرسیدش چه نام داری و پدرت چه نام دارد؟ فرمود: محمد بن علی الرضا، دل مأمون به حال پدرش بسوخت و اسب خود را براند و برفت. [صفحه ۲۳۵] و چون از شهر خارج شد یکی از بازهای خود را به دنبال دراجی پرواز داد، باز از چشم غایب شد و چون بازگشت

ماهی کوچکی به منقار داشت که هنوز آثار حیات در آن باقی بود. این قضیه نیز مأمون را اعجاب بر اعجاب بیفزود. چون به عمارت شهر رسید کودکان را به حال خود دید، و امام محمد جواد سلام الله تعالی علیه نیز با آنها بود. کودکان فرار کردند و آن حضرت به جای خود بایستاد، مأمون به وی نزدیک شد و از او پرسید این چیست در دست من؟ امام جواد سلام الله تعالی علیه او را فرمود: ای امیرالمؤمنین حق سبحانه و تعالی در بحر قدرت خویش ماهی‌های کوچکی را خلق فرموده است که آنها را بازهای ملوک و خلفاء شکار می‌کند تا آگاهی بخشد از آنها سلاله‌ی نبی مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را مأمون گفت: حقا که تو فرزند علی رضا هستی. و او را با خود ببرد و با وی نیکیها کرد و در اکرام و احترامش بحد کمال کوشید، و پیوسته با وی شفقت می‌نمود، از بسکه او را پس از این از فضل و علم، و کمال عظمت امام محمدجواد سلام الله تعالی علیه ظاهر شد، و با صغر سن برهانش نمایان گردید، تصمیم گرفت دختر خویش امالفضل را از وی تزویج کند و بر این مصمم شد. عباسیان او را مانع شدند و می‌ترسیدند چنانکه پدرش را ولیعهد کرد او را نیز ولیعهد کند. چون مأمون آنها را گفت که بواسطه‌ی تمییزش بر کافه اهل فضل از حیث علم و معرفت و حلم با صغر سن، او را برگزیده. و آنها با وی راه مناقشه می‌گرفتند که امام جواد بدین صفات که تو گویی متصف نیست. لهذا قرار گذاشتند که شخصی را جهت بحث و مناظره بحضور آن حضرت بفرستند. یحیی بن اکثم را [صفحه ۲۳۶] بحضورش فرستادند و او را به مالی فراوان تطمیع نموده بودند مشروط بر اینکه امام جواد علیه‌السلام را برای آنان شکست دهد. همه با ابن اکثم و اعیان دولت به حضور مأمون رفتند. مأمون بفرمود تا فرشی بسیار نفیس به جهت امام جواد بگستردند و بر آن بنشست، و یحیی از وی مسائلی بپرسید امام علیه‌السلام جواب تمام آنها را به أحسن الوجه تقریر و توضیح فرمود. مأمون گفت: احسنت اباجعفر. حال اگر می‌خواهی شما هم از یحیی سئوال کن و لویک مسئله باشد. امام جواد علیه‌السلام یحیی بن اکثم را فرمود: چه گویی در مردی که اول روز نظر کرد در زنی بحرامی، و در هنگام چاشت بر وی حلال گشت، و در ظهر بر وی حرام شد، و عصر بر وی حلال گشت، و مغرب بر وی حرام شد، و عشاء بر او را حلال شد، و نیمه شب بر او حرام گردید، و فجر او را حلال شد. یحیی گفت: نمی‌دانم. امام جواد علیه‌السلام فرمود: این جاریه‌ایست که مردی به شهوت در وی نگریست و آن حرام است. آنگاه او را بهنگام چاشت بخرید، پس ظهر او را آزاد ساخت، و عصر او را تزویج نمود، و مغرب از وی ظهار کرد، و عشاء کفاره‌ی ظهار داد، و نیمه شب او را طلاق رجعی بگفت، و فجر او را رجوع نمود. مأمون عباسیان را گفت هر آینه دانستید آنچه را که منکر آن بودید، و در همین مجلس دختر خویش امالفضل را به حباله‌ی نکاح آن حضرت آورد و راهی مدینه‌اش نمود. پس از چندی امالفضل کسی فرستاد و نزد پدر از امام جواد سلام الله تعالی علیه شکوه نمود که جاریه بر وی اختیار نموده است. مأمون در جواب به او پیغام [صفحه ۲۳۷] داد که ترا به او ندادهام حلال را بر وی حرام گردانی بار دیگر چنین چیزی نگوئی. [۱] . وفات آن حضرت در آخر ذی‌القعده بود به سال دویست و دو، و در مقابر قریش در پشت جدش موسی الکاظم دفن گردید و عمر شریفش بیست و پنج سال بود، و گویند که وی را نیز مسموم نمودند، اولادش دو پسر و دختری بود. صواعق ص ۱۲۶ نقل از شواهد النبوه‌ی مولانا عبدالرحمن جامی به عین عبارت: محمد بن علی بن موسی بن جعفر رضی الله عنهم. وی امام نهم است و کنیت وی ابوجعفر است. در کنیت و نام موافق باقر است و لهذا او را ابوجعفر ثانی گفته‌اند. لقب وی تقی و جواد است. [۲] مادر وی امولد بوده است نام وی خیزران و قیل ریحانه‌ی و قیل کانت من اهل الماریهٔ القبطیهٔ. [۳] ولادت وی در مدینه بود روز جمعه‌ی ده روز از رجب گذشته سنه‌ی خمس و تسعین و مائهٔ [۴] . و وفات وی روز سه‌شنبه شش روز از ذوالحجه گذشته سنه‌ی عشر و مأتین در خلافت معتصم و قیل مات مسموماً ولکنه ماصح، و قبر وی در بغداد است [۵] در قفای جد وی کاظم رضی الله عنه [صفحه ۲۳۸] و از کمال علم و ادب و فضلی که داشت با صغر سن مأمون مشغوف وی بود، و دختر خود امالفضل را به زنی به وی داد، و همراه وی به مدینه روان کرد، و هر سال هزار هزار درهم به وی دادی. [۶] . و از روی آرند که بعد از فوت پدر خود رضا رضی الله عنه در سن یازده سالگی در بعضی از کوچه‌های بغداد با جمعی از کودکان ایستاده اتفاقاً مأمون به قصد شکار بیرون می‌رفت گذر وی بر آنجا افتاد همه

کودکان از سر راه بگریختند و جواد رضی الله عنه بر جای ایستاده بود، چون مأمون آنجا رسید وی را دید و خدای تعالی وی را در دلها قبول عظیم داده بود، بارگیر خود نگاه داشت و پرسید که: ای پسر تو چرا با کودکان دیگر از سر راه نرفتی؟، بالفور جواد داد که: ای امیرالمؤمنین راه تنگ نیست برفتن خود آن را گشاد گردانم، و مرا جریمه‌ی نیز نبود که از ترس بگریزم، و حسن ظن به تو آن است که بی‌جریمه آزار به هیچکس نرسانی. مأمون را صورت و تکلم او بسیار خوش آمد، پرسید که نام تو چیست؟ فرمود که: محمد، پرسید که فرزند کیستی؟ فرمود که فرزند رضا، بر پدر وی ترحم و ترضی کرده به آن جانب که می‌رفت روان شد، و با خود بازهای شکاری داشت، چون از عمارات بیرون رفت بازی را برتذروی انداخت آن باز غایب شد و غیبت وی دراز کشید، بعد از آن از هوا فرود آمد در منقار وی ماهی خورد نیم زنده بود، مأمون ازآن تعجب بسیار کرد و آن را به دست خود گرفته بازگشت چون به آن وضع رسید که جواد رضی الله عنه با کودکان بود به دستور پیشتر از راه به یکسو [صفحه ۲۳۹] شدند و جواد رضی الله عنه بایستاد، چون خلیفه نزدیک وی رسید گفت: ای محمد، فرمود که: لبیک یا امیرالمؤمنین. گفت: این چه چیز است در دست من؟ فرمود: ان الله تعالی خلق بمشیته فی بحر قدرته سمکا صغاراً تصیدها بزاة الملوک و الخلفآء فیختبرون سلالة اهل بیت النبوة. چون مأمون این سن شنید تعجب نمود و بسیاری به وی نگریست و گفت انت ابن الرضا حقاً. و انعام و احسانی که نسبت به وی داشت مضاعف ساخت. [۷] . و چنین روایت کرده‌اد که ام‌الفضل به پدر خود مأمون از مدینه شکایت نوشت که جواد بر سر من سریه‌ی گرفته و زن خواسته است، مأمون در جواب نوشت ترا برای آن به وی نداده‌ام که حلال را بر وی حرام سازی می‌باید که بعد از این مثل این سخنان نگویی و به من ننویسی. [۸] . و من کلماته المقدسة، قال رضی الله عنه: العامل بالظلم و المعین له و الراضی به شرکآء. و قال: یوم العدل علی الظالم اشد من یوم الجور علی المظلوم و قال رضی الله عنه: العلماء غربآء لکثرة الجهال بینهم، و قال: الصبر علی المصیبة مصیبة علی الشامت بها. و قال: من یا مل فاجراً کان ادنی عقوبته الحرمان و قال اثنان علیلان ابداً صحیح محتمی و علیل مختلط. [۹] . [صفحه ۲۴۰] و از آن جمله آن است که چون مأمون دختر خود ام‌الفضل را با وی نکاح کرد و همراه وی ساخت تا به مدینه برد، چون به کوفه رسید آخر روز نزول فرمود، به مسجدی درآمد که در صحن آن درخت سدر بود که هنوز بار نیاورده بود، کوزه‌ی آب طلبید و در بیخ آن درخت وضوء ساخت، بعد از آن با مردم نماز شام گذارد، چون نماز شام گذارد در وقت بیرون آمدن به پای آن درخت رسید آن درخت میوه‌ی تازه بار آورده بود میوه‌ی شیرین بی‌دانه مردم آن را به تبرک می‌گرفتند و می‌خوردند. [۱۰] . و از آن جمله آن است که یکی از سلف گفته است که در عراق بودم شنیدم که کسی در شام دعوی پیغمبری کرده است وی را بند آهنین نهاده‌اند و آورده به فلان جای محبوس است. به آنجای رفتم دربانان را چیزی دادم پیش وی رفتم وی را با عقل و فهم تمام یافتم، از وی پرسیدم که قصه‌ی تو چون بوده است؟ گفت من مردی بوده‌ام از شام به عبادت مشغول در آن مسجدی که می‌گویند سر مبارک امیرالمؤمنین حسین را رضی الله عنه آنجا نصب کرده بودند، یک شب روی در قبله نشسته بودم و به ذکر خدای تعالی مشغول بودم. ناگاه دیدم که شخصی از پیش روی من پیدا آمد، و گفت: برخیز برخاستم، مرا اندکی راه ببرد خود را در مسجد کوفه دیدم فرمود که می‌دانی این جا کجاست؟ گفتم بلی مسجد کوفه است در نماز ایستاد چون از نماز فارغ شد بیرون آمد و من نیز با وی بیرون آمدم اندکی برفت و من نیز رفتم خود را در مسجد رسول صلی الله علیه و سلم یافتم بر روضه‌ی [صفحه ۲۴۱] رسول صلی الله علیه و سلم سلام گفت و در نماز ایستاد و من نیز در نماز ایستادم پس بیرون آمد و من نیز بیرون آمدم اندکی برفت خود را در مکه یافتیم طواف کرد و من نیز طواف کردم، پس بیرون آمد و من نیز بیرون آمدم، از من غیب شد و من خود را در آن موضع یافتم از شام که به عبادت مشغول بودم. از این حال در تعجب ماندم و هیچ ندانستم که آن که بود. چون سال آینده به همان وقت رسید باز آن شخص پیدا شد و مرا همراه ببرد، و هرچه درسال گذشته کرده بود بجا آورد، و چون وقت مفارقت رسید سوگند بر وی دادم که به آن خدای که ترا به آنچه مشاهده کرده‌ام قدرت داده است که مرا بگوی که تو کیستی؟ فرمود که: من محمد بن علی بن موسی بن جعفرم. چون بامداد شد آن قصه را با آنان که به من ترددی

می‌داشتند باز گفتم: خبر به والی شام رسید، مرا متهم داشتند به آنکه دعوی نبوت می‌کنی مرا بند برنهادند و به همراه خود به اینجا آوردند چنین که می‌بینی. به آن والی رقعه نوشتم و عرض حال وی کردم بر پشت رقعه نوشت آن کسی را که در یکشب وی ر از شام به کوفه بردند و از کوفه به مدینه و از مدینه به مکه و از مکه به شام بگوئید که وی را از حبس ما خلاصی دهند. آن بسیار بر من گران آمد و مغموم و محزون شدم. چون بامداد کردم به جانب حبس روان شدم تا وی را از آن حال آگاه کنم، لشکریان و نگهبانان را در اضطراب تمام یافتم، پرسیدم که حال چیست؟ گفتند این شخص که دعوی نبوت کرده و وی را حبس کرده بودند دوش غایب شده است نمی‌دانیم که وی را زمین فرو برده است یا مرغان آسمان بربوده‌اند. [۱۱] . [صفحه ۲۴۲] و از آن جمله آن است چون مأمون فوت شد فرمود که فرج ما بعد از گذشتن مأمون سی ماه خواهد بود و چون از قوت مأمون سی ماه گذشت وی را وفات رسید. [۱۲] . و از آن جمله آن است شخصی گفته است که بر جواد رضی الله عنه در آمدم و گفتم: فلان صالحه دعا رسانیده است و از جامه‌های شما جامه‌یی طلبیده است که کفن وی کنند، فرمود که وی از آن مستغنی شده است، من بیرون آمدم هیچ ندانستم که معنی آن سخن چه بود ناگاه خبر رسید که وی پیش از این سیزده روز یا چهارده روز است مرده است. [۱۳] . و از آن جمله آن است: که دیگری گفته است با یکی از اصحاب قصد سفر داشتیم، بر جواد رضی الله عنه درآمدیم که وداع کنیم، فرمود: امروز بیرون مروید و تا فردا صبر کنید، چون بیرون آمدیم صاحب من گفت که من بیرون می‌روم که بار من بیرون رفته است، من بایستادم و وی برفت، شب در آن وادی که فرود آمد سیل آمد و در آن غرق شد و بمرد. [۱۴] . نقل از نورالابصار ذکر مناقب محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین‌العابدین بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب رضی الله عنهم و سلام الله تعالی علیهم. [۱۵] . [صفحه ۲۴۳] مادرش امولد بود او را سکینه‌ی مریسیه می گفتند. [۱۶] و کنیه‌اش ابوجعفر همچو کنیه‌ی جدش محمد الباقر و دارای چند لقب مانند: جواد، قانع، و مرتضی، و مشهورترین القابش جواد. [۱۷] چهره‌یی سفید و قامتی معتدل داشت، شاعرش حماد و دربانش عمربن الفرات - نقش خاتمش (نعم القادر الله) و معاصرش مأمون و معتصم. امام ابوجعفر محمد الجواد سلام الله تعالی علیه در مدینه ولادت یافت در نهم رمضان المعظم سنه‌ی یکصد و نود و پنج از هجرت. [۱۸] . صاحب کتاب مطالب السول فی مناقب آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم گوید: این محمد ابوجعفر دوم است، زیرا در آباء کرامش پیش از وی ابوجعفر محمد الباقر بن علی به این اسم و کنیه بوده است. و در اسم پدر نیز متفقاند. پس او به ابوجعفر ثانی شناخته می‌شود، با اینکه صغیر السن بود قدر او کبیر و ذکرش رفیع و کرامات و مناقبتش فراوان است. [۱۹] . «در اینجا آنچه را که شیخ ابن حجر از فضایل امام جواد سلام الله تعالی علیه در کتاب صواعق ذکر کرده است و ازین پیش آورده‌ایم در کتاب نورالابصار نیز سمت ذکر یافته و حاجت به تکرار نبود.» وفات امام ابوجعفر محمدالجواد در بغداد بود، که در نتیجه‌ی فشار معتصم [صفحه ۲۴۴] از مدینه با زوجه‌اش امالفضل بنت المأمون دو روز مانده از محرم سنه‌ی دویست و ده. [۲۰] و در آخر ذی القعده همین سال حضرتش را وفات رسید، و در مقابر قریش در مقبره‌ی جدش ابوالحسن موسی الکاظم سلام الله علیه دفن گردید و همسرش امالفضل به قصر معتصم رفت، و آن حضرت را در این روز بیست و پنج سال و شش ماه از سنین سن شریف سپری گشته بود، گویند مسمومش ساختند، چهار فرزند داشت: علی و موسی و فاطمه و امامه. [۲۱] . و از کلمات رفیعه‌ی آن حضرت است: من استغنی بالله افتقر الناس الیه و من اتقی الله احبه الناس. الجمال فی اللسان و الکمال فی العقل. العفاف زینة الفقر و الشکر زینة البلاء و التواضع زینة الحسب و الفصاحة زینة الکلام و الحفظ زینة الروایة و خفض الجناح زینة العلم و حسن الادب زینة الورع و بسط الوجه زینة القناعة و ترک مالا یعنی زینة الورع. لو سکت الجاهل ما اختلف الناس. من وثق بالله و توکل علی الله نجاه الله من کل سوء و حرز من کل عدو والدین عز و العلم کنز و الصمت نور وغایة الزهد الورع و لا هدم للدین مثل البدع و لا افسد للرجل من الطمع و بالراعی تصلح الرعیة و بالدعاء تصرف البلیة و من رکب مرکب الصبر اهتدی الی مضمار النصر و من غرس اشجار التقی اجتنی ثمار المنی. [۲۲] . نورالابصار صحیفه ۱۶۳ / ۱۶۴

پاورقی

[۱] الفصول المهمة ص ۲۶۶ الی ۲۶۹. الصواعق المحرقة ص ۲۰۶. الاتحاف ص ۱۶۸. نورالابصار ص ۳۲۶ و ۳۲۷. ینابیع المودة ص ۳۶۵.

[۲] تذکرة الخواص ص ۳۲۱. الفصول المهمة ص ۲۶۶. حبیب السیر ۲ / ۹۱. سبائک الذهب ص ۷۶.

[۳] تذکرة الخواص ص ۳۲۱. کشف الغمة ۳ / ۱۸۹. الفصول المهمة ص ۲۶۶.

[۴] الفصول المهمة ص ۲۶۶. الاتحاف ص ۱۶۸. سبائک الذهب ص ۷۶.

[۵] مروج الذهب ۳ / ۴۸۸. تاریخ بغداد ۳ / ۵۴. تذکرة الخواص ص ۳۲۱. وفیات الاعیان ۴ / ۱۷۵. الفصول المهمة ص ۲۷۵. النجوم الزاهرة ۲ / ۲۳۱.

[۶] شواهد النبوة ص ۱۹۰.

[۷] الفصول المهمة ص ۲۶۶ و ۲۶۷. شواهد النبوة ص ۱۹۰ و ۱۹۱. الصواعق المحرقة ص ۲۰۶. نورالابصار ص ۳۲۶ و ۳۲۷.

[۸] الفصول المهمة ص ۲۷۰. شواهد النبوة ص ۱۹۱. الصواعق المحرقة ص ۲۰۶. نورالابصار ص ۳۲۸.

[۹] نورالابصار ص ۳۳۱. شواهد النبوة ص ۱۹۱.]

[۱۰] الفصول المهمة ص ۲۷۰ و ۲۷۱. شواهد النبوة ص ۱۹۱. نورالابصار ص ۳۳۰.

[۱۱] الفصول المهمة ص ۲۷۱ و ۲۷۲. شواهد النبوة ص ۱۹۲ - ۱۹۱. نورالابصار ص ۳۲۹.

[۱۲] شواهد النبوة ص ۱۹۲.

[۱۳] شواهد النبوة ص ۱۹۲.

[۱۴] شواهد النبوة ص ۱۹۲.

[۱۵] تاریخ بغداد ۳ / ۵۴. تذکرة الخواص ص ۳۲۱. وفیات الاعیان ۴ / ۵۶۱.

[۱۶] تذکرة الخواص ص ۳۲۱. الفصول المهمة ص ۲۶۶.

[۱۷] الفصول المهمة ص ۲۶۶. سبائک الذهب ص ۷۶. حبیب السیر ۲ / ۹۱.

[۱۸] کفایة الطالب ص ۳۱۰. الفصول المهمة ص ۲۶۶. نورالابصار ص ۳۲۶.

[۱۹] تاریخ بغداد ۳ / ۵۵. مطالب السؤول ص ۸۷.

[۲۰] الفصول المهمة ص ۲۷۵ - ۲۷۶. الصواعق المحرقة ص ۲۰۶. نورالابصار ص ۳۳۰.

[۲۱] در متن نورالابصار و مدارک دیگر دوست و بیست نقل شده است. به نظر می‌رسد به جای عشرین کلمه عشر ترجمه کرده‌اند.

[۲۲] الفصول المهمة ص ۳۲۷ و ۳۲۸. نورالابصار ص ۳۳۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹